

# پیاده روی اربعین به مثابه اسطوره‌ای برای بازآفرینی هویت فرهنگی

(تحلیل اسطوره‌شناختی پیاده‌روی اربعین حسینی)

دکتر سید خدایار مرتضوی<sup>۱</sup>

حسین صولتی<sup>۲</sup>

فرشته داداش‌زاده<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۳

## چکیده

بستر شکل‌گیری هویت فرهنگی، زندگی جمعی است و اسطوره یک مقوله فرهنگی است که می‌تواند افکار و شیوه زندگی ما را هدایت و جهت دهد. اسطوره‌ها کارکردهای گوناگونی دارند که ساحت عرفانی و دینی آن در ایجاد و تقویت هویت فرهنگی مؤثر است. در همین راستا آفرینش پیاده‌روی اربعین به مثابه اسطوره برای جلوگیری از سرگشتگی جامعه توده‌ای نقش‌آفرین بوده و امکان عمل و فرصت در حوزه عمومی را فراهم می‌آورد.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (Skmortazavia@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (Hossein.Solati1361@gmail.com)

۳. کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (Fereshteh.dzd1367@gmail.com)

این مقاله با تحلیل اسطوره شناختی برگرفته از مؤلفه‌های اسطوره‌ای جوزف کمبل، درصدد بررسی معناداری تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین با آزمون t تک نمونه‌ای برآمده است تا ضمن پیکربندی اربعین با مؤلفه‌های اسطوره، به تبیین هویت فرهنگی بپردازد.

از آن جایی که جایگاه واقع‌عاشورا در ذهن و ضمیر شیعیان، دارای اعتبار و حجیت بوده و هم مبنای رفتار و کنش سیاسی و اجتماعی است یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پیاده‌روی اربعین در حیات بخشیدن به هویت فرهنگی و اجتماعی مؤثر بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** پیاده‌روی اربعین، اسطوره، هویت فرهنگی، کمبل، زیارت.

#### مقدمه

بحث درباره این که ما که هستیم؛ چگونه مؤلفه‌های هویتی خود را تعریف می‌کنیم؛ چه اغیاری برای خود شناسایی می‌کنیم و چه نسبتی با دیگران داریم، مسئله‌ای بنیادی است. هویت‌ها، پدیده‌های فراتاریخی نیستند؛ بلکه این سازه‌های اجتماعی و فرهنگی با تکیه بر حافظه جمعی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی، ایجاد، تعریف و در طول زمان بازتفسیر می‌شوند و جوامع، حکومت‌ها و نهادها در ایجاد، حفظ و تقویت آن نقشی اساسی ایفا می‌کنند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷). در همین راستا پدیده پیاده‌روی اربعین در سالیان اخیر برای تعمیق هویت اسلامی، با تکیه بر میراث عاشورایی به سبک و سیاق جدیدی ظهور یافته که بسیار متمایز از گذشته و حاوی جنبه‌هایی سمبلیک است. تکوین پیاده‌روی اربعین به مثابه اسطوره، جلوه‌ای نمادین از فرهنگ یک ملت به منظور تفسیرشان از هستی و هویت فرهنگی خود است (اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۱۳). از آن جا که گفتمان انقلاب اسلامی نگران اسلام مغفول مانده در انسانی است که میراث‌دار هویت اسلامی است (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸)؛ بنابراین کوشیده است با تقویت



هویت اسلامی به همسازی اجتماعی بپردازد. تأکید بر مفاهیمی چون اخوت اسلامی و تعلق به امت واحده از یک سو همبستگی سنتی را جبران می‌کند و از سوی دیگر از سرایت گسیختگی و سرگشتگی جامعه توده‌ای جلوگیری می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۰۸)؛ و یا به قول آرنه<sup>۱</sup> امکان عمل و فرصت در حوزه عمومی را فراهم می‌آورد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

سفر با انگیزه مذهبی احتمالاً قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نوع سفر در تاریخ بشر است و شاید قدمت آن به عمر ادیان باشد. این نوع سفر پدیده‌ای جهانی است که شکل سازمان یافته آن، زیارت نامیده می‌شود که در همه ادیان از جمله هندوئیسم، بودیسم، یهودیت، مسیحیت، اسلام و... وجود دارد. از جنبه اجتماعی، زیارت نه تنها سفری است که موجب پویایی و جابه‌جایی جمعیت می‌شود، بلکه تحرکاتی از قبیل تجارت، مبادله فرهنگی، همبستگی سیاسی و گسترش نامطلوب اپیدمی‌ها را نیز به دنبال دارد (رضوی زاده، ۱۳۹۶: ۵۹۶). به هر حال، زیارت کربلا با پای پیاده، در برهه‌ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می‌شود تا این که دوباره احیا می‌گردد و به تدریج پیاده روی از نجف تا کربلا در عراق گسترش می‌یابد (درودیان، ۱۳۹۷: ۵۹). هر چند زیارت در میان شیعیان عموماً آیینی و فردی بوده است، اما استقبال ایرانیان از پیاده روی اربعین از سال ۱۳۸۲ به عنوان شکلی از زیارت و رشد ناگهانی این مناسک که پیش‌تر مناسکی عربی و عراقی تلقی می‌شد توجه داخلی و بین‌المللی را به خود جلب کرده است (رضوی زاده، ۱۳۹۶: ۵۹۷).

از آن جایی که پدیده‌ها با رنگ و بوی مذهبی، معانی فرهنگی متنوعی تولید می‌کنند؛ می‌توان ظهور پیاده روی اربعین به مثابه سمبل و نماد شیعیان برای بازآفرینی هویت فرهنگی را مذاقه و کاوش نمود. از سوی دیگر، با توجه به این که سمبل‌های اسطوره‌ای معادل و موازی یکدیگرند و بیانیه‌ای عظیم و نامحسوس از حقایق بنیادین را شکل و گسترش می‌دهند (کمبل، ۱۳۸۵: ۱۱) می‌توان دریافت که به لحاظ اسطوره‌ای شیعیان به کهن‌الگویی از زیارت و پیاده روی معتقد هستند که به شخصیت جابر بن

1. Hannah Arendt  
2. Joseph Campbell

عبدالله انصاری برمی‌گردد. وی در نخستین اربعین از نجف تا کربلا را پیاده روی کرده است و روایتی دیگر بر آن است که حضرت زینب علیها السلام و همراهانشان هم این مسیر را پیاده طی کرده‌اند. بنابراین، به لحاظ اسطوره‌ای یک کهن‌الگو و به باور کمبل یک الگوی مقدس داریم که شیعه امروزی با پیاده‌روی در این مسیر گویا با حضرت زینب علیها السلام و جابر بن عبدالله همراهی می‌کند. در واقع، پیروی از یک نمونه آغازین یکی از عناصر اساسی تفکر اسطوره‌ای است (محدثی، ۱۳۹۶: ب). به هر حال نمادها و آیین عاشورایی نیز با توجه به رابطه تاریخی تنگاتنگی که با هویت شیعه داشته، نقش عمده‌ای در فرآیند هویت‌یابی این اقلیت مذهبی ایفا می‌کنند (گیویان و امین، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

هویت فرهنگی شیعیان که به بیان احساس‌ها، پیوندها و روابط انسانی می‌پردازد، به سان اسطوره‌ای مبتنی بر سنت است؛ چراکه در آن منظومه‌ای از آداب، شیوه‌های مذهبی و رسوم اخلاقی بازتولید می‌شود تا از نسلی به نسل دیگر منتقل گردد. به عبارت دیگر، اسطوره روح زنده هر آن چیزی به شمار می‌رود که از فعالیت‌های ذهنی و فیزیکی بشر نشأت گرفته است، ولی باید به این نکته توجه داشت که سمبل‌های اسطوره‌ای مصنوعی نیستند، نمی‌توان آنها را اختراع کرد، تحت انقیاد درآورد و یا برای همیشه سرکوب‌شان کرد (کمبل، ۱۳۸۵: ۱۵). در واقع می‌توان گفت که سمبل‌های اسطوره‌ای همچون شاخه‌های درختی تنومند به تنه فرهنگ عاشورا زنجیر شده‌اند. در این چارچوب، پیاده‌روی اربعین حاوی عناصر مختلف اسطوره مثل باورها، بینش‌ها و رویکردهای فرهنگی سنت است که در آن مجموعه‌ای از حکایات و روایات با هم می‌آمیزند و در ژرفای فرهنگ، با هم دارای پیوندی استوارند و در معنا بخشی و مناسبت میان ذهنی، به شهروندان یک فرهنگ، مدد می‌رسانند (کاوندیش<sup>۱</sup>، ۱۳۸۷).

بر این اساس، مقاله پیش‌رو در نظر دارد با استفاده از رویکرد اسطوره‌شناختی<sup>۲</sup> و بررسی معناداری تجربه‌های زیسته زوار پیاده‌روی اربعین با مؤلفه‌های اسطوره به شناخت سامان اعتقادی زائران این مناسک پردازد و پس از فهم رابطه همبستگی، نقش پیاده‌روی

1. Richard Cavendish  
2. Mythological Criticism or Mythological Approach

اربعین در بازا فرینی هویت فرهنگی را تبیین نماید؛ چراکه درک نمادهای سنتی به عنوان جزء لاینفک یک هویت از اهمیتی بسزا در میان هر ملت برخوردار است. به دیگر سخن، فرآورده‌های سنتی و نمادین یک ملت در تبیین هویت فرهنگی آن قوم مؤثر است.

### پیشینه پژوهش

با عنایت به اهمیت و ضرورت‌های تکاملی، و انتقادی و ترکیبی پیشینه پژوهش (اشتریان و مامی، ۱۳۹۱: ۲) ارکان و نتایج مطالعات پیشین را مورد شناسایی و مذاقه قرار دادیم.

رضوی زاده (۱۳۹۶) و درودیان (۱۳۹۷) هر کدام طی یک مقاله با اتکا به رویکرد کیفی و با تحلیل ۳۶ و ۳۸ مصاحبه، درصدد واکاوی، ادراک و تفسیر تجربه زیسته زائران از این سفر برآمدند و در انتها از مضامین تجربه عاطفی زائران گفتند. غفاری و آقایی (۱۳۹۷) نیز با اتخاذ روشی کیفی و با بهره‌گیری از روش جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی<sup>۱</sup> به تحلیل توصیفی پیاده‌روی اربعین پرداختند.

اما اسطوره و پیوند آن با مسائل معنوی و مذهبی، موضوع پژوهش خیل عظیمی از پژوهشگران ایرانی بوده است؛ حیدری و بهاری (۱۳۹۴) با روش تطبیقی در پی مقایسه هبوط انسان در کتاب‌های مقدس و اسطوره‌های موجود در خاورمیانه پرداختند و به بیان تشابهات عناصر اسطوره و نخستین زیستگاه هبوط انسان اشاره نمودند. سیدجوادی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی مفهوم اسطوره در سنت اسلامی» با رویکرد پدیدارشناسانه به توصیف تطبیق‌های ناروا از رخدادها و مفاهیم قرآن با اسطوره پرداخته و بر آن است که بینش هرمنوتیکی اسطوره، پایه و اساسی برای شناخت ماهیت دین توحیدی ندارد.

قاسمی (۱۳۸۷) با گزینش کتاب «فلسفه صورت‌های سمبلیک» به تبیین علمی و تبیین دینی - اسطوره‌ای در اندیشه ارنست کاسیرر<sup>۲</sup> پرداخته و بر این باور است که اگر تبیین علمی بردیگر بخش‌های فرهنگ چیره شود، می‌توان انتظار داشت که

1. Charles Tilly  
2. Ernst Cassirer

نیست انگاری و احساس پوچی به احساس عمومی در کل فضای فرهنگ مبدل شود. دهقانی و مالمیر (۱۳۹۲) با عنایت به اهمیت نمادپردازی در ادبیات به نشانه‌شناسی عناصر اسطوره‌ای در روایت‌های عرفانی پرداخته و لایه‌های پنهان تشابهات معنایی را آشکار نمودند. واثق عباسی و فولادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به دگرذیسی اسطوره آفرینش مهری در عرفان ایرانی اسلامی پرداخته و بر این باورند که بازتولید اسطوره بصورت خودآگاه و ناخودآگاه در بستر فرهنگی دین متبلور می‌شود. علامه حسن‌زاده (۱۳۵۴) با نگاه عرفانی به هفت خان رستم پرداخته و هر خان را به سمبل و نمادی از هفت مرتبه وجودی انسان مشابه دانسته است و بر آن است که این هفت خان، هفت شهر عشق است که مراتب هفت‌گانه نفس ناطقه است.

در میان پژوهش‌هایی که به اسطوره و ساحت‌های دینی پرداخته‌اند شریعتی (۱۳۷۷) به شکلی متفاوت در کتاب *علی، حقیقتی برگزیده اساطیر به سراغ اسطوره رفته است*. در حالی که سایر پژوهش‌ها اسطوره را در غالب مفاهیم عرفانی طرح کرده‌اند، شریعتی حقیقت را در غالب اسطوره تبیین نموده و بر آن است که انسان نیازمند تاریخی است که باید باشد، اما نیست؛ بنابراین دست به آفرینش اساطیر می‌زند. به دیگر سخن شریعتی، *علی (علیه السلام)* را به مثابه یک نمونه حقیقی و مملو از اسطوره و رب النوع انواع گوناگون عظمت‌ها، قداست‌ها و زیبایی‌ها و احساس‌های مطلق طرح می‌کند.

واکاوی مفاد آثار فوق و روش‌های مورد استفاده بیانگر این است که هرچند بهره‌گیری از تحلیل اسطوره‌شناختی در آموزه‌های دینی رایج بوده، اما هیچ‌کدام در پی تبیین این مفهوم، برای تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین نبوده است. به بیان دیگر، به کارگیری عناصر اسطوره‌ای کتاب *قهرمان هزارچهره*<sup>۱</sup> جوزف کمبل برای درک تازه از این همسازی نوپدید، رویکردی جدید است.

## چارچوب مفهومی

### الف) پیاده‌روی اربعین

به حرکت شمارزیادی از مسلمانان شیعه به سمت شهر کربلا، در جنوب بغداد، به منظور جمع شدن همه آنها در چهلمین روز شهادت امام حسین بن علی علیه السلام، سومین امام شیعیان در واقعه عاشورا گفته می‌شود که از زمان سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ برای ایرانیان امکان پذیر شد. گستردگی این منسک و آئین مذهبی هرگز به صورت فعلی آن نبوده است و اگر با فراز و فرودهایی همراه بوده است، اما در حال حاضر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی جهان نام برده می‌شود (غفاری و آقایی، ۱۳۹۷: ۱-۲).

### ب) اسطوره

اسطوره را به دو صورت ریشه‌یابی می‌کنند؛ یکی این که «اساطیر» از فعل «سطر» (نوشتن) است و معادل Myth انگلیسی و Mythos یونانی است که به معنای شرح و خبر است اما روایتی که نمی‌تواند وجود داشته باشد (وارنر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹: ۱۵). دوم این که «اساطیر» جمع «اسطوره» است و واژه اسطوره هم معرب واژه یونانی Istoría که در زبان انگلیسی به صورت History و به معنای تاریخ و Story به معنای روایت و داستان درآمده است. البته امروزه بیشتر لغت‌شناسان مایل به نظر دوم هستند (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۳).

بعد از قرن نوزدهم و در دوره معاصر بار معنایی اسطوره گسترش و تغییر یافت به نحوی که از بار منفی آن کاسته و مفهوم دروغ در آن رنگ باخته است (الیاده<sup>۲</sup>، ۱۳۶۲: ۹)؛ بر همین مبنا این مقاله باگزینش تعریف جوزف کمبل، بر آن است که عملکرد اصلی اسطوره‌ها و آیین‌ها به وجود آوردن سمبل‌هایی بوده که روح انسان به کمک آنها بتواند به جلو حرکت کند و بر توهمات دائمی بشر که می‌خواهد او را در همان حالت حفظ کنند، فایق آید. این سمبل‌ها و باورهای اقوام، در هر ملت بر اساس قوانین تکامل فرهنگی شکل می‌گیرند (کمبل، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۹). به عبارت دیگر، کمبل بُن مایه اسطوره‌ها را یکسان می‌پندارد که

1. Rex Warner  
2. Mircea Eliade

با یکی از چهارکارکرد عرفانی، کیهان‌شناسی، جامعه‌شناختی و نقش‌تعلیم و تربیت، روایت‌گر لایه‌های پنهانی یک پدیده است (کمبل، ۱۳۹۷: ۴۸).

### ج) هویت فرهنگی

نزدیک به پنج دهه از عمر مطالعات فرهنگی می‌گذرد اما در یکی دودهمه اخیر این دست مطالعات به جریانی گسترده تبدیل شده است. به منظور مطرح کردن فرهنگ به مثابه هویت می‌بایست به جنبه‌های وحدت‌دهنده آن بیشتر تأکید کرد. از این رو هویت فرهنگی جنبه‌ی ذهنی از یک آگاهی است که فرد با در اختیار داشتن آن به موقعیت خود، پی می‌برد و به کمک این آگاهی به تنظیم روابطش می‌پردازد. از آنجایی که برجسته‌تر شدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی بین کشورها لزوم ایجاد و تقویت یک هویت مشترک را دوچندان می‌کند (صولتی و کلانتر، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۶۱)؛ بنابراین در این پژوهش، سمبل‌ها و صورت‌هایی از یک اُمت مدنظر است که می‌تواند بازآفریننده یک هویت و وحدت تازه برای شیعیان باشد.

### چارچوب روشی-نظری

#### الف) روش پژوهش

این مقاله درصدد است با استفاده از دو سنت کمی و کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد اسطوره‌ای و تمرکز بر مسئله معناسازی به پرسش تحت مطالعه پاسخ دهد. به دیگر سخن، با اتخاذ یک روش کمی به بررسی معناداری فرضیه اولیه پژوهش می‌پردازد و سپس با بیکربندی مؤلفه‌های اسطوره‌ای مدنظر کمبل و پیاده‌روی اربعین، به تبیین نوآفرینی هویت فرهنگی اشاره خواهد نمود.

تحلیل و رویکرد اسطوره‌ای بستری انسان‌شناختی<sup>۱</sup> دارد و پدیده را بر مبنای ارزش‌های فرهنگی آن در ارتباط با کیفیت‌های اساطیری تفسیر و تأویل می‌کند؛ این روش پیشینه‌ای بیش از یک قرن دارد که نظریات یونگ<sup>۲</sup> در تکوین این رویکرد مؤثر بوده است. یونگ بیشتر

1. Anthropology  
2. Carl Jung



تحقیقات خود را به مطالعه فرهنگ‌ها، اساطیر و تمدن بشری پرداخت و به این نتیجه رسید که کهن‌الگوها<sup>۱</sup> مضامین، تصاویر یا الگوهایی‌اند که مفاهیم یکسانی را برای سطح وسیعی از بشریت و فرهنگ‌های متفاوت القا می‌کنند؛ بدین سبب مهم‌ترین بنیاد نظریه یونگ را خاصیت آفرینندگی ناخودآگاه جمعی دانسته‌اند؛ لذا در دهه‌های پایانی قرن بیستم رویکرد انسان‌شناختی با بررسی تطبیقی متون ادبی و نسخ مقدس دینی در کنار مطالعه آیین‌ها و شعائر مذهبی، نظرگاه‌های مستقلی را درباره الگوهای تکرارشونده اساطیری در پدیدارهای ذهنی و جمعی بشرگشود که در این میان الیاده و کمبل نام‌آورترین پژوهشگران در حوزه نقد اسطوره‌ای یا رویکرد اسطوره‌شناسی هستند (قائمی، ۱۳۸۹: ۳۴-۴۴).

رویکرد اسطوره‌شناسی کمبل که در این مقاله مورد تأکید است با تصریح بر فرهنگ‌های بشری، مسیر تکوین و تکامل کهن‌الگوهای یک پدیده را تحلیل کرده و با چشم‌اندازی صوفیانه و عرفانی به معنا دار شدن جهان والوهیت بخشیدن به دنیای مادی می‌پردازد.

#### ب) آزمودنی‌ها

جامعه آماری در این پژوهش مجموعه زائران حرم امام حسین علیه السلام در مراسم پیاده‌روی اربعین هستند که سالانه آماری بیش از دو میلیون نفر می‌باشند. در این مقاله نزدیک به شصت نفر برای مصاحبه انتخاب شدند، اما با توجه به طفره رفتن زائران از پاسخ‌گویی، به علل گوناگون از جمله تواضع دینی و اجتناب از بیان تجربه‌های معنوی، تنها تعداد سی مصاحبه دریافت گردید. برای انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد.

#### ج) روش اجرای پژوهش

این مقاله با استفاده از مصاحبه به گردآوری نظری داده‌های زائران و تجربه‌های زیسته<sup>۲</sup>

آنها اقدام نمود؛ اما از آن جایی که اغلب زائران با مفاهیم اسطوره آشنا نبودند لذا پژوهشگران به عنوان مداخله‌گر فعال و برای درک مطلوب مصاحبه‌ها در چارچوب فرضیه تحقیق، با کدگذاری واحدهای قابل تفسیر (با اعداد یک تا سه، یک کمترین تشابه و سه بیشترین تشابه) به استخراج عناصر اسطوره‌ای در پاسخ‌نامه پرداختند؛ بدین ترتیب سی مصاحبه پس از استخراج مضامین، در نرم افزار SPSS تنظیم شد. در انتها پس از بررسی توزیع نرمالی داده‌ها (با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف) به تحلیل همبستگی فرضیه اولیه مقاله (با کمک آزمون t تک نمونه‌ای) پرداخته شد.

### اسطوره و دین

اسطوره یک نظام فرهنگی تام است که عواطف و احساسات ما را هدایت کرده و به افکار و شیوه زندگی ما جهت می‌دهد (محدثی، ۱۳۹۶ ب)؛ و از طریق همنشینی با اعمال و شعایر دینی توانسته وحشت‌ها و هراس‌های جهان پدیدار را پراکنده نماید و به بینش دگرگون‌کننده‌ای از وجود نامیرا دست یابد (کمبل، ۱۳۸۵: ۱۴۸)؛ جوزف کمبل بر آن است که تصاویر کلیدی بسیاری از اسطوره‌ها، در مراحل مختلف پنهان می‌شود و با توجه به تمدنی که در آن جا اسطوره ظهور می‌کند؛ دیدگاهی مبتنی بر مذهب یا دنیا بر می‌گزیند (کمبل، ۱۳۸۵: ۲۵۴)؛ در همین راستا علامه حسن‌زاده با دریافتی عرفانی از هفت خان رستم می‌نویسد:

خردمند داند که افسانه بهانه است تا فوایدی که در آن مستجن است مستفاد گردد و دانایان جهان، حقایق را از زبان بی‌زبانان در لباس داستان به درآوردند. (حسن‌زاده و امین، ۱۳۵۴: ۷۸۳)

به بیان دیگر، اسطوره یکی از نقاب‌های ادیان می‌شود (کمبل، ۱۳۹۷: ۱۲).

اسطوره‌سازی یا همان تبلور ذهنی اشخاص از واقعیت‌های پیرامونی را به وفور در میان انسان‌ها می‌توان یافت. به باور کمبل، فرد ناگزیر است جنبه‌ای از اسطوره را پیدا کند که با زندگی خودش ارتباط داشته باشد. اساساً اسطوره چهار کارکرد دارد که یکی از کارکردها، نقش عرفانی و دینی آن است. اسطوره چشم‌ها را در مقابل بُعد راز و درک رازی که زیربنای

همه صورت هاست، می‌گشاید (کمبل، ۱۳۹۷: ۶۱). بدین ترتیب کارکردهای مدنظر کمبل یعنی عرفانی، کیهان‌شناسی، جامعه‌شناختی و نقش‌تعلیم و تربیت، باگونه‌شناسی برخی از اندیشه‌وران این حوزه مشابه است. بر همین محور محدثی (۱۳۹۶ الف) باورد دارد که اسطوره سه ساحت وجودی ما را پوشش می‌دهد؛ ساحت شناختی، ساحت درونی و ساحت هنجاری که مربوط به عمل، اخلاق و شیوه زندگی است. به بیانی دیگر طرح اسطوره بدون بیان نقش دینی و اخلاقی آن ممکن نیست.

براین اساس، اسطوره دانستن مصادیق دینی به معنای باطل دانستن اصل پدیده‌ها نیست، بلکه تنها در پی بیان این است که برخی واقعیات خارجی که در مقام خود ارزشمند هستند، از ذهن برخی راویان به گونه اسطوره‌ای مطرح شده‌اند. در دین اسطوره‌ای، به دین‌داران آموخته می‌شود تا به گذشته سفر کرده و الگوهای آن را به حال بیاورند و عیناً تقلید کنند. تفکر اسطوره‌ای، انسان را معطوف به نیروهای فراتاریخی می‌کند که گویا همه جا حاضر بوده و در زندگی آدمی دخالت دارند و نقش ایفا می‌کنند (محدثی، ۱۳۹۶ الف). این عمل‌گرایی نهفته در اسطوره منجر به آفرینش هویت‌های جدیدی می‌شود که به دنبال همسازی‌های نوین در یک جامعه توده‌ای است؛ جامعه‌ای که ذره‌ای، منفرد و متکی به تعداد زیاد تمرکز یافته است (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۷: ۲۰۶). توده‌هایی که با وعده بهشت ساخته انسان جذب و تشنه مشارکت در حیات عمومی و سیاسی است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۳۷). به باور کمبل (۱۳۸۵: ۱۶۹) اسطوره در پی خاموش کردن آتش سه لایه هوس، دشمنی و وهم است؛ دشمنی‌ای که در ذیل چتریک هویت مشترک به محاق می‌رود.

### مؤلفه‌های اسطوره

جوزف کمبل پژوهشگر معاصر حوزه اسطوره‌شناسی برخلاف جریانات تفسیری، قرائت نمادین از اسطوره‌ها را ارائه نمود و به بررسی شکل بیرونی ظهور کهن‌الگوها در اقسام پدیده‌های فرهنگی (اعم از ادیان، آیین‌ها و آثار ادبی و هنری) پرداخت. بر همین سیاق، این مقاله مبتنی بر نظریه و عناصر تبیین شده توسط کمبل، تجربه زائران پیاده‌روی اربعین

را مورد تتبع و تحلیل قرار داده است:

**وجود زیارتگاه:** کمبل بر این باور است که در غیاب یک اسطوره فراگیر، هریک از ما معبد پانتئون خصوصی و پنهان خود را از رویاهای مان ساخته ایم. این معبد اسطوره‌ای، اگرچه آن طور که باید و شاید رشد نیافته، ولی به گونه‌ای رمزآلود قابلیت رشد دارد (همو: ۱۶). به دیگر سخن، اگر زیارتگاهی نباشد، ما باز هم در ذهن خود برای عزیمت و آغاز یک سفر معنوی نیازمند چنین جایگاهی هستیم. به باور کمبل در جای جای سرزمین حاوی پدیده اسطوره‌ای، زیارتگاهی وجود دارد که راهی به سوی سرمنشأ نیروهاست و یک نفر، در این نقطه به جاودانگی دست یافته است (همو: ۵۳). حضور این عنصر در جریان پیاده روی اربعین کاملاً مشهود است؛ بر این اساس، در همه پاسخ‌نامه‌های زائران پیاده روی اربعین اشاره‌ای به حرم حسین بن علی علیه السلام به عنوان مأمن، مغناطیس عشق، نقطه جاودانگی، حرکت به سمت معشوق و... وجود داشت؛ یعنی زیارتگاه مهم‌ترین و اصلی‌ترین باور هریک از زائران بود.

**دعوت الهی:** اولین مرحله سفر اسطوره‌ای که ما آن را «دعوت به سفر» می‌خوانیم، نشان می‌دهد که دست سرنوشت، قهرمان را با ندایی به خود می‌خواند و مرکز ثقل او را از چارچوب‌های جامعه به سوی قلمرویی ناشناخته می‌گرداند (همو: ۶۶-۶۸). این مؤلفه نیز در پیاده روی اربعین مبرهم بوده است. لذا بسیاری از زائران بر این باورند که کسی بدون دعوت الهی و یا نگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام، گام در این سفر نخواهد گذاشت و عبارات «مرا طلبیده»، «توفیق زیارت» و «خودش مرا دعوت کرده» تکیه کلام و باور بسیاری از آنهاست که به هنگام پاسخ و مواجهه با اطرافیان ابراز می‌دارند.

**آزمون الهی:** به زعم کمبل قهرمان باید یک سلسله آزمون را پشت سرگذارد. این مرحله، مرحله‌ای محبوب در سفرهای اسطوره‌ای است که مایه به وجود آمدن بخش اعظمی از ادبیات جهان، آزمون‌ها و سختی‌های معجزه‌آسا است (همو: ۱۰۵). کمبل با اشاره به آیه ۲۱۴ سوره بقره قرآن، بر آن است که سنت آزمون در همه ادیان وجود دارد (همو: ۱۱۲) و تنها کسانی که قدرت درک بسیار بالایی دارند، می‌توانند این مکاشفه را کاملاً فهم کنند (همو: ۱۲۳) و با پشت سر گذاشتن تمام موانع، به خوان آخر برسند که با یک پیروزی

همراه است و این بحرانی است که در اوج حسیض رخ می دهد (همو: ۱۱۶). با نگاهی اجمالی به تک نگاره های زائران پیاده روی اربعین، می توان دریافت که آنها حضور در این مسیر را یک آزمون می پندارد: «امام حسین علیه السلام مرا انتخاب کرده که آزمایشم را پس بدهم»؛ «آدم صبوری نیستم؛ این جا امتحان مجدد برای صراط مستقیم برگزار می شود»؛ «انسان در مسیر کربلا در ابتلاء است». این انگاره ها در پاسخ نامه های دریافتی دلالت بر وجود عناصر اسطوره در میان زائران است.

**رهایی بخشی:** کمبل بر این باور است که قهرمان اسطوره، سمبل رهایی بخش است که درون همه ما پنهان بوده و در انتظار است تا او را بشناسیم و به عرصه زندگی آوریم (همو: ۴۷). وی در جایی دیگر می نویسد:

قهرمان اسطوره ها اغلب درگیر یک نبرد می شوند و با پشت سر نهادن مستبدی، از تاریکی رهایی می یابد. (همو: ۳۳۹)

به عبارتی عملکرد صحیح اسطوره، آشکار کردن خطرها و فنون خاص گذار از راه تاریکی است (همو: ۳۹). در همین راستا زائران پیاده روی اربعین می پندارند: «سختی پیاده روی در تاریکی، گام برداشتن به سمت نور است»؛ «از امام حسین علیه السلام می خواهم آخرین سال غیبت مولای مان باشد تا توفیق سربازی او را پیدا کنم»؛ «این پیاده روی زمینه ساز ظهور امام زمان است». گویا هریک از زائران، اربعین را بانگ رهایی از تاریکی می بیند.

**حرکت به جلو:** عملکرد اصلی اسطوره ها به وجود آوردن سمبل هایی است که روح انسان را به جلو حرکت دهد؛ یعنی اسطوره ها و باورهای اقوام مختلف در هر قوم بر اساس قوانین تکامل فرهنگی شکل می گیرند (همو: ۲۲-۲۹). در اسطوره، هرگاه آن بی حرکت حرکت بخش، آن یگانه حیّ توانا، مرکز توجه باشد، شکل گیری جهان به صورت خود به خودی و معجزه آسا رخ می دهد (همو: ۲۸۸). از این رو شاهدیم که زائران، بازآفرینی و تقویت زبان مشترک فرهنگی بین شیعیان را یک حرکت روبه جلو تلقی می کنند و با بیان این که «پیاده روی موجب اتحاد شیعه است» و یا این که «این سفر سراسر شعور و

حرکت است» از «ایفای نقش فردی در جامعه شیعه» می‌گویند و این حرکت را تعمیق جغرافیای شیعه می‌دانند.

**اجتماع مقدس:** اسطوره، رویایی تهی از فردیت است؛ در اسطوره‌ها، مشکلات و مسائلی مطرح می‌شوند که در مورد تمام افراد بشر صدق می‌کنند (همو: ۳۰). به عبارت دیگر، اسطوره در میانه اجتماعی معنا می‌یابد که وجدان جمعی و دینی، پشتوانه همبستگی و کنترل جمعی آن است. بنابراین زائران اربعین نیز به خاص بودن این اجتماع به انحاء مختلف اشاره دارند: «پیر و جوان، سالم و مریض، در این مسیر در کنار هم هستند این جا سرشار از ایمان است»؛ «این جا آدم‌ها جور دیگری هستند؛ مهربان‌تر، الهی‌تر»؛ «مرد، زن، بچه، همه هوای همدیگر را دارند»؛ «گویا خدمت مردم به زائران بدون احساس خستگی است»؛ «ما قطره‌ای هستیم در میان جمعیت عاشق امام حسین علیه السلام»؛ «همه این جا یکی هستیم»؛ «نهایت احسان و نیکوکاری در این جا جاری است». بنابراین مقدس پنداشتن اجتماع اربعین نه تنها خواست مجریان و برنامه‌ریزان این پدیده، بلکه نگرش و باور بسیاری از زائران نیز هست.

**الگوی مقدس:** سفر اسطوره‌ای قهرمان، معمولاً، تکریم و تکرار یک الگو است: جدایی، تشرّف، بازگشت؛ به نوعی هسته اسطوره است (همو: ۴۰). اسطوره الگوی خودآگاه و کنترل شده اجتماع است که به عنوان زبان تصویری نیرومند برای برقراری ارتباط با سنت‌ها به خدمت گرفته می‌شوند. این زبان تصویری استعاره‌هایی هستند که هزاران سال است انسان در آنها غور می‌کند؛ این استعاره‌ها به همه جوامع خدمت کرده‌اند و پایه و اساس تفکر و زندگی بوده‌اند و هویت فرهنگی بر اساس آنها شکل گرفته است (همو: ۲۶۲). به همین منظور زائران، پیاده‌روی اربعین را یک الگو و تکلیف دینی می‌نامند و می‌نویسند: «زیارت با پای پیاده را تکلیف و وظیفه تبلیغی خودم می‌دانم»؛ «از امام حسین علیه السلام می‌خواهم که بتوانم زینب‌گونه در مسیرش گام نهم»؛ «این سفر مدل و الگویی عظیم علیه دشمن است»؛ «مقید به حضور در تمام عرصه‌های دینی برای حفظ الگوی اعتقادی ام هستم»؛ «نیت من پیروی از عزیزان فاطمه است».

**رنج مقدس:** اسطوره با استقامت و پایداری شگفت‌انگیزی در نوشته‌های مقدس تمام

قاره‌ها به تصویر کشیده شده است. این موضوع به سیر و سفر قهرمان وجهه جدید و قابل توجهی می‌دهد (همو: ۴۷)؛ فقط تنهایی و رنج است که دریچه ذهن را به روی آن چه بر دیگران پوشیده است باز می‌کند (همو، ۱۳۹۷: ۵). لذا این عنصر در همه پاسخ‌نامه‌های دریافتی به وضوح قابل مشاهده است و تقریباً همه زائران با نگاه خود بدان پرداخته‌اند: «هرگاه به زائران خسته خدمت می‌کنم انگار دنیا را به من داده‌اند»؛ «فراموشی گرما، تاول پاها، ازدحام جمعیت، تنها به امید ذوق و شوق زیارت است»؛ «خستگی هست، درد هست اما همراه یک حس عجیب معنوی»؛ «از خستگی پاهایم شرمند بودم»؛ «اندکی از سختی پیاده روی اهل بیت علیهم‌السلام را درک کردم»؛ «این جا نمایشگاه ایثار است». به نظر می‌رسد این عنصر اسطوره‌ای به سان یک سنجه تقرب معنوی نزد زائران فهم می‌شود.

**درون‌گرایی مقدس:** یکی دیگر از چیزهایی که در اسطوره دیده می‌شود درون‌گرایی ارادی است که می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به حقیقت به کار رود (همو، ۱۳۸۵: ۷۱)؛ آنها می‌آموزند که می‌توان به درون بازگشت و پیام هر نماد را دریافت (همو، ۱۳۹۷: ۲۳). بدین ترتیب درون‌مایه‌هایی از «فنای خویشتن» در سفر قهرمان به درون، وجود دارد تا دوباره متولد شود (همو، ۱۳۸۵: ۹۱)؛ به عبارت دیگر قهرمان کسی است که به خواست خود به تسلیم رسیده است (همو: ۲۶-۲۷). و به همه چیز یکسان می‌نگرد، خود را در همه هستی و همه هستی را در خود می‌بیند، او در خدا می‌زید (همو: ۱۷۲). این مؤلفه را نیز می‌توان از میان پاسخ‌های زائران این‌گونه تشخیص و تمیز داد: «در این مسیر از خود بی‌خودم»؛ «یک نگاه به مسیر دارم و یک نگاه به درون»؛ «با زیارت تغییر حاصل نمی‌شود باید نگاهی به خود داشته باشیم». وقتی در یک سفر به جز خودت به چیزی نیاز نداشته باشی گویا درون، برونی‌ترین خواسته زائر می‌شود.

**مرگ اندیشی:** قهرمان اسطوره به دنبال عزیمت است، از مرگ نمی‌هراسد (همو: ۳۵۷)؛ یعنی اگر در دنیای عمل، انسان نگران نتیجه اعمالش باشد، در اصل جاودانگی را از دست می‌دهد، ولی در اسطوره، انسان نتیجه و ثمره اعمالش را در دامن خداوند می‌گذارد، رها می‌شود، و از اسارت دریای مرگ می‌رهد (همو: ۲۴۵). این مؤلفه به نیکی در اندیشه زائران دیده می‌شود و از گفته‌های آنها پیداست که به دنبال معنا سازی با آموزه‌ها و

عناصر اسطوره‌ای هستند و در این میان عنصر مرگ اندیشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است: «این جا برای من یادآور صحرای محشر است»؛ «در این جا مستعد اندیشیدن به کلام وحی، آموزه‌های الهی و مرگ هستم»؛ «هروقت به سربریده امام حسین علیه السلام می‌اندیشم اشک‌هایم سرازیر می‌شود»؛ «همیشه می‌ترسیدم بمیرم و قبر امام حسین علیه السلام را نبینم»؛ «ثواب همین چیزها برای آخرت‌مان می‌ماند».

**امداد الهی:** در اسطوره، انسان در مراحل مختلف سیر و سلوک به دنبال امدادهای غیبی است که همیشه در کنار انسان برگزیده حضور دارد (همو: ۲۳۴-۲۱۵). در همین راستا، وقتی به کاوش در پاسخ‌نامه زائران می‌پردازیم شاهد مفاهیمی متناسب با این مؤلفه هستیم: «روضه اباعبدالله علیه السلام مرا به این جا رسانید»؛ «خدا پول سفرم را جور کرد»؛ «من مریضم، حس می‌کنم کسی دستانم را در هر مرحله گرفته»؛ یعنی زائر در جهانی سفر آغاز می‌کند که بعضی از نیروها به شدت او را تهدید می‌کنند و یا می‌آزمایند و برخی دیگر با امدادهای غیبی به یاری او می‌آیند (همو: ۲۵۲).

**برکت نهایی:** در یک چارچوب «امتناع از بازگشت» و «بازگشت و پذیرفته شدن» شکل می‌گیرد (همو: ۲۰۳). بازگشت و پذیرفته شدن در جامعه، در ادامه چرخه پایدار معنویت در جهان است و توجیه غیبت طولانی قهرمان است؛ هنگام بازگشت از این سفر پر رمز و راز، قهرمان نیروی آن را دارد که به یارانش برکت و فضل نازل کند؛ بر این منوال، او به شهر باز می‌گردد تا موهبت گرانبهای معرفت و شناخت راه را به مردم جهان اعطا کند (همو: ۴۳-۴۵). برکت در اندیشه هر زائری به شکلی ویژه و متناسب با خواسته‌های مادی و معنوی اش در انتهای سفر ظهور می‌کند. مثلاً یکی از زائران برکت را شرکت در روضه اباعبدالله علیه السلام در کربلا می‌داند که موجب پاک شدن گناهانش می‌شود. برکت نهایی در باور کمبل، برکتی اعلی است که انسان برای جسم فنانا پذیر خود می‌خواهد، سکونت دائمی در بهشت است (همو: ۱۸۰-۱۸۴). رایحه این اندیشه در میان پاسخ‌های زائران پیاده روی اربعین به وضوح یافت می‌شود: «برکت سفرم یافتن دوستانی از جان گذشته بود»؛ «برکت سفر من حال خوبی بود که یافتم و دوست دارم هر سال تکرار شود»؛ «برکت سفر من عهد و پیمانی است که با خود بسته‌ام»؛ «صبر برکت و مهم‌ترین تجربه سفرم بود».



با توجه به مذاقه و تحلیل اسطوره‌شناختی پیاده‌روی اربعین به کمک مؤلفه اسطوره‌ای کتاب *قهرمان هزارچهره*، در ادامه به بررسی رابطه معناداری این عناصر با تجربه زیسته زائران حرم امام حسین علیه السلام برآمده و در ادامه از بازآفرینی هویت فرهنگی توسط این پدیده خواهیم پرداخت.

### یافته‌های پژوهش

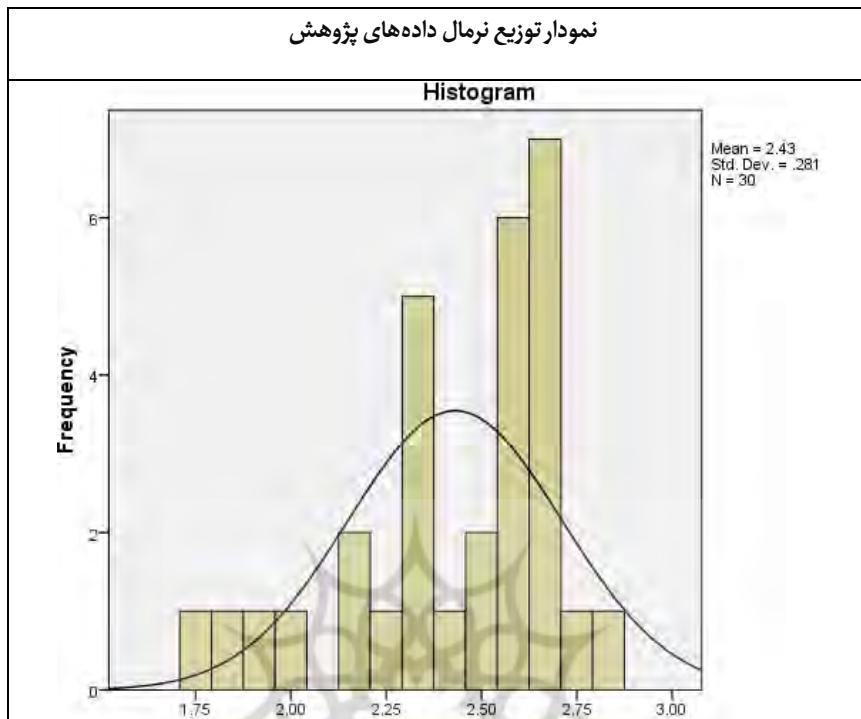
از مجموع ۳۰ پاسخ‌نامه دریافتی درباره تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین مبتنی بر ۱۲ مؤلفه اسطوره‌ای مورد نظر کمبل، آمار ذیل حاصل شد:

امتیاز مجموع هر یک از مؤلفه‌های اسطوره												
مؤلفه‌های اسطوره	رهایی بخشی	آزمون الهی	امداد الهی	حرکت به جلو	دعوت الهی	دوگرایی	الگوی مقدس	اجتماع مقدس	برکت نهایی	مرگ‌اندیشی	رنج مقدس	وجود زیارتگاه
تشابه با تجربه زیسته زائران در پیاده‌روی	۶۴	۶۶	۶۸	۷۰	۷۱	۷۲	۷۲	۷۳	۷۴	۷۶	۸۰	۸۹

با توجه به وجود ۳۰ پاسخ‌نامه و امتیاز ۳ به عنوان بیشینه و امتیاز یک به عنوان کمینه برای هر مؤلفه، بنابراین ۹۰ بالاترین تشابه و ۳۰ کمترین تشابه برای هر مؤلفه لحاظ شد؛ بدین ترتیب در پاسخ‌نامه‌های دریافتی پیرامون تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین مؤلفه «وجود زیارتگاه» با امتیاز ۸۹ بیشترین تشابه را از آن خود نموده است؛ یعنی ۲۹ نفر با اشاره واضح به بارگاه امام حسین علیه السلام از بسط تجربه معنوی خود سخن به میان آوردند و مؤلفه «رهایی بخشی» با امتیاز ۶۴ کمترین تشابه با تجربه زائران اربعین را داشته است.

به منظور درک رابطه میان تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های اسطوره در ابتدا لازم است توزیع نرمال داده‌های پرسش‌نامه طی نمودار هیستوگرام بررسی شود که شکل زنگوله‌ای نمودار بیانگر توزیع نرمال داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌هاست.

نمودار توزیع نرمال داده‌های پژوهش



برای بررسی توزیع نرمال داده‌های مقاله علاوه بر نمایش نمودار فوق، آزمون کلموگروف - اسمیرنوف نیز استفاده کردیم که نتایج ذیل حاصل شد:

نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف <sup>۱</sup>		
		مؤلفه‌های اسطوره
		30
Normal Parameters, b	Mean	2.4306
	Std. Deviation	.28118
Most Extreme Differences	Absolute	.207
	Positive	.134
	Negative	-.207
Kolmogorov-Smirnov Z		1.131
Asymp. Sig. (2-tailed)		.155

a. Test distribution is Normal.

b. Calculated from data.

با توجه به این که مقدار P-value در متغیر اسطوره از ۰/۰۵ بیشتر است، متغیر دارای

1. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

توزیع نرمال بوده و می‌توان از روش‌های پارامتری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نمود. حال می‌خواهیم بیازماییم که آیا تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین به مثابه مؤلفه‌های اسطوره است یا خیر؟ در حقیقت با توجه به نوع جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری آنها می‌توان آن را با آزمون آماری زیر معادل دانست:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 2 & \text{فرض } H_0 \text{ بدین معناست که تجربه زیسته زائران پیاده‌روی به مثابه مؤلفه‌های اسطوره نیست.} \\ H_1: \mu > 2 & \text{فرض } H_1 \text{ بدین معناست که تجربه زیسته زائران پیاده‌روی به مثابه مؤلفه‌های اسطوره است.} \end{cases}$$

آزمون فوق را با استفاده از آزمون T-تک نمونه‌ای انجام می‌دهیم که نتایج ذیل حاصل می‌شود.

نتایج آزمون T تک نمونه‌ای			
نام	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری
مقدار	۸/۳۸۷	۲۹	۰/۰۰

چون مقدار P-value از ۰/۰۵ کمتر است، می‌توان گفت تجربه‌های زیسته زائران پیاده‌روی اربعین به مثابه مؤلفه‌های اسطوره است که در جدول زیر مقدار میانگین و انحراف معیار و انحراف استاندارد این متغیر قابل مشاهده است.

One-Sample Statistics				
انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	
۰/۰۵۱۳۴	۰/۲۸۱۱۸	۲/۴۳۰۶	۳۰	Myth

### پیاده‌روی اربعین در پی بازآفرینی هویت فرهنگی

هویت شکلی از آگاهی به خود، به جامعه، به فرهنگ، به تاریخ و به آینده را القا می‌کند (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۴) و هویت فرهنگی نیز ناشی از ارتباط دو مفهوم هویت و فرهنگ با کنش اجتماعی است که محیط فرهنگی نقش برجسته‌ای در تکوین، حفظ، تغییر و تحول آن دارد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). در این مقاله، این «آگاهی» شامل

بخشی از مسلمانان است که علی‌رغم داشتن فرهنگ، تاریخ، زبان سمبلیک و اسطوره‌ای مشترک، اما مرزهای جغرافیایی و سیاسی آنها از یکدیگر متمایز است.

از آن جایی که هویت‌ها از طریق تجربیات و اسطوره‌های مشترک رشد می‌کنند (اسمیت، ۱۹۹۱: ۲۴۷) و اسطوره‌ها مبین کارکردهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌اند و همچنین با عنایت به این‌که اسطوره‌ها در مجموع یک زبان مشترک را می‌سازند که واقعیت‌های جهانی را در قالب تمثیل‌ها و نمادها بیان می‌کنند (لک، ۱۳۸۴: ۶۵)؛ می‌توان دریافت که زیارت با پای پیاده هرچند بارها در تاریخ تکرار شده و محدود به زمان حال نیست، اما همچنان از جایگاه ویژه‌ای نزد شیعیان به منظوریک منشأ هویت برخوردار است. جایگاهی که امروزه در قالب پیاده‌روی اربعین و با حضور ملیت‌های مختلف توانسته است ابزار ارتباطی مطلوبی برای مذهب شیعه فراهم نماید و بازآفریننده یک هویت فرهنگی و وحدت تازه برای شیعیان باشد.

در این راستا جوزف کمبل برایین باور است که سمبل‌ها ابزار ارتباط‌اند، مهم نیست که این سمبل‌ها چقدر جذابند، بلکه آنها واسطه‌های متقاعدکننده‌ای برای هماهنگی یک جمع هستند (کمبل، ۱۳۸۵: ۲۴۱)؛ این هماهنگی جمعی، همان چیزی است که در این جا از آن به عنوان بازآفرینی هویت فرهنگی برای همسازی شیعیان به کمک یک رویداد، یاد شده است. رویدادی که حاصل انباشت تاریخی از تجربه‌های فرهنگی یک اُمت در طول زمان است. این همسازی و همگونگی در پیاده‌روی اربعین را به سان سمبل‌های اسطوره‌ای باید با تمام مفاهیم ضمنی‌اش تعقیب کرد؛ چراکه همین مفاهیم از طریق شباهت، مقایسه و... نشان‌دهنده سیر و سلوک هزاران ساله یک روح مشترک است (همو: ۲۵۷). اسطوره‌ها در اصل روای جمعی انسان‌ها هستند که از خلاقیت‌های قومی و هویتی سرچشمه می‌گیرند (بانوکریمی و رضایی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). بنابراین انسان‌ها احساس می‌کنند که در این جهان به یک پناه و پشتیبان مهربان نیاز داشته تا از بی‌پناهی به درآیند و این فقر و نیازمندی وجود است که زیارت را به یک خواست بدل می‌کند

(محدثی، ۱۳۹۶ب)؛ این خواست‌ها با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی گوناگون تجلیات متفاوتی می‌یابند که در دهه حاضر این تجلی با بازسازی هویت فرهنگی و نوزایی اسطوره، به شکل پیاده‌روی اربعین جلوه نموده است.

جوزف کمبل بر این باور است که به جای کشتن اسطوره، باید از آن به بهترین شکل بهره گرفت (کمبل، ۱۳۸۵: ۲۵۵)؛ بنابراین دینداران دین اسطوره‌ای با آفرینش پیاده‌روی اربعین به سیاق جدید در پی آن هستند که به گذشته سفر کرده و الگوهای آن را به حال بیاورند و عیناً تقلید کنند و رویدادهای تاریخی را عملاً از زندگی انسان حذف نمایند و او را معطوف به نیروهای فراتاریخی کنند که گویا همه جا حاضر بوده و در زندگی آدمی دخالت دارد و نقش ایفا می‌کند (محدثی، ۱۳۹۶الف)؛ بدین ترتیب می‌توانند مجری اعمال مذهبی باشند که انسان به واسطه فرمان برداری و انضباط مداوم روانی، از تمام محدودیت‌های فردی، خصوصیات اخلاقی، وحشت‌ها و امیدها رها می‌شود و دیگر از فنای خویشتن که پیش شرط تولد مجدد است، هراسی ندارد و آن تولد مجدد راهی برای درک حقیقت و آمادگی برای یکی شدن نهایی است<sup>۱</sup> (کمبل، ۱۳۸۵: ۲۴۴)؛ یکی شدنی که می‌توان از آن به عنوان بازآفرینی هویت فرهنگی شیعیان ایرانی و غیرایرانی یاد کرد که نتیجه آن جلوگیری از سرایت گسیختگی و سرگشتگی جامعه توده‌ای است.

### نتیجه

اسطوره‌ها از جمله مفاهیمی هستند که در طول تاریخ در فرهنگ سازی انسان‌ها نقش مهمی داشته‌اند؛ در نتیجه در مقابل خواست‌ها و نیازهای فرد، به مثابه هویت فرهنگی ظهور نموده‌اند. بنابراین نتایج پژوهش حاکی از این است که وقتی به سراغ اسطوره می‌رویم به جای این که پیرسیم اسطوره چیست، باید پیرسیم اسطوره چگونه به انسان دیروز و امروز خدمت می‌کند.

در این مقاله، علاوه بر فهم تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین بر آن بودیم که نشان دهیم پیاده‌روی اربعین به مثابه اسطوره در پی پاسخ به خواست و نیازهای فرهنگی و

1. The great at -one- ment

هویتی جامعه‌ی شیعه از سال ۱۳۸۲ به این سو، برجسته‌تر و پررنگ‌تر شده است؛ بنابراین شیعیان متناسب با زمان خود همواره متأثر از سمبل‌ها، نمادها و رسوم هویتی بودند که فرهنگ و تمدن‌شان را ساخته است.

در مجموع یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تجربه‌های زیسته زائران پیاده‌روی اربعین به مثابه مؤلفه‌های اسطوره می‌باشد. یعنی این جستار با برگرفتن رویکرد اسطوره‌ای اندیشه‌وران انسان‌شناختی بالاخص کمبل، به هم‌گونگی و انطباق عناصر و مؤلفه‌های اسطوره و تجربه زیسته زائران پیاده‌روی اربعین رسید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ محمدرضا روحانی (۱۳۸۹ش)، «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، فصل‌نامه «تحقیقات فرهنگی»، دوره سوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۵۷-۱۸۵.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۹۱ش)، *اسطوره، بیان نمادین*، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
- اشتریان، کیومرث؛ راضیه امامی‌میبیدی (۱۳۹۱ش)، «پیشینه پژوهش و مرور سیستمی ادبیات علمی»، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز، صص ۱-۱۵.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۲ش)، *چشم‌اندازهای اسطوره*، ترجمه: جلال ستاری، تهران، نشر توس.
- بانوکریمی، امیر؛ مهناز رضایی (۱۳۸۷ش)، «بررسی تطبیقی علل بازآفرینی اسطوره در شعر معاصر ایران و "رویای مکزیکی" اثر لوکله زیو»، فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۴، شماره ۱۳، زمستان، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱ش)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴ش)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، جلد دوم، تهران، نشر نی، چاپ ششم.
- حاج سیدجواد، سیدکمال (۱۳۹۱ش)، «بررسی مفهوم اسطوره در سنت اسلامی»، فصل‌نامه کیمیا هنر، شماره ۲، سال اول، بهار، صص ۱۲۱-۱۳۴.
- حسن‌زاده‌آملی، حسن؛ سیدحسین امین (۱۳۵۴ش)، «نگاهی عرفانی به هفت‌خوان رستم»، نشریه وحید، شماره ۱۸۵، آبان، صص ۷۸۳-۷۸۷.
- حیدری، حسین؛ علی بهاری (۱۳۹۴ش)، «بررسی تحلیلی و تطبیقی نخستین زیستگاه و هبوط انسان در کتاب مقدس با دیگر اسطوره‌های خاورمیانه»، فصل‌نامه

- ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۳۸، سال ۱۱، بهار، صص ۵۷-۹۲.
- خرمشاد، محمدباقر؛ علیرضا کلانترمهرجردی، حسین صولتی (۱۳۹۶ش)، «گفتمان هویت ملی اسلام‌گرایی در عصر پهلوی دوم و جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۸، سال ۱۱، بهار، صص ۸۹-۱۱۲.
- درودیان، محمدجواد (۱۳۹۷ش)، «منظر معنوی پیاده‌روی اربعین حسینی»، ویژه‌نامه منظر، شماره ۴۵، دوره ۱۰، زمستان، صص ۵۶-۶۵.
- دهقانی، هادی؛ تیمور مالمیر (۱۳۹۲ش)، «نشانه‌شناسی عناصر اسطوره در روایت‌های عرفانی»، دوفصل‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۳، سال ۲، بهار و تابستان، صص ۱۰۵-۱۳۰.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۹۲ش)، مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران، نشر نی.
- رضایی، سید مهدی (۱۳۸۴ش)، آفرینش و مرگ در اساطیر، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- رضوی‌زاده، مریم (۱۳۹۶ش)، «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳، عراق)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، صص ۵۹۵-۶۳۱.
- شریعتی، علی (۱۳۷۷ش)، مجموعه آثار (ج ۲۶)، چاپ هشتم، تهران، نشر آمون.
- صولتی، حسین؛ علیرضا کلانترمهرجردی (۱۳۹۸ش)، «هویت فرهنگی به مثابه گفتمان دفاعی»، فصل‌نامه علوم و فنون نظامی، دوره ۱۵، شماره ۴۷، بهار، صص ۱۵۷-۱۸۰.
- غفاری‌هشجین، زاهد؛ محمدآقایی (۱۳۹۷ش)، «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»، دانش سیاسی، شماره اول، سال چهاردهم، پیاپی ۲۷، بهار و تابستان، صص ۲۱-.
- کاوندیش، ریچارد (۱۳۸۷ش)، اسطوره‌شناسی: دایرةالمعارف مصوّر اساطیر و ادیان مشهور جهان، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران، نشر علم، چاپ اول.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۷ش)، در پیرامون خودمداری ایرانیان رساله‌ای در روان‌شناسی اجتماعی مردم ایران، تهران، نشر اختران، چاپ نهم.



- قائمی، فرزاد (۱۳۸۹)، «پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره‌ای وزمینه و پیشینه کاربرد آن در خوانش متون ادبی»، فصل‌نامه *نقد ادبی*، سال سوم، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان، صص ۳۳-۵۶.
- کمبل، جوزف (۱۳۸۵ ش)، *تهرمان هزارچهره*، ترجمه: شادی خسروپناه، مشهد، نشر گل‌آفتاب، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷ ش)، *قدرت اسطوره*، ترجمه: عباس مخبر، چاپ سیزدهم، تهران، نشر مرکز.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰ ش)، «جهانی شدن و بحران هویت»، فصل‌نامه *مطالعات ملی*، سال دوم، ش ۱۰.
- گیویان، عبدالله؛ محسن امین (۱۳۹۶ ش)، «محبت و هویت در آیینۀ نمایش جهانی اربعین (مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی)»، دو فصل‌نامه *دین و ارتباطات*، سال ۲۴، شماره ۲، پیاپی ۵۲، پاییز و زمستان، صص ۱۶۷-۱۹۴.
- لک، منوچهر (۱۳۸۴ ش)، «درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت بخش آن در شعر جنگ»، فصل‌نامه *مطالعات ملی*، شماره ۳، سال ششم، پیاپی ۲۳، صص ۶۳-۸۳.
- محدثی، حسن (۱۳۹۶ الف)، «جهان زائرانه با جهان محققانه متفاوت است (زیارت؛ از نیاز تا نهاد)»، نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران و مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی آستان قدس رضوی در مشهد، بهمن، کد خبر ۴۲۰۴۸۸۳، *خبرگزاری مهر*، قابل دسترسی در <https://www.mehrnews.com>.
- محدثی، حسن (۱۳۹۶ ب)، «پیاده‌روی اربعین ریشه اسطوره‌ای دارد»، دی، کد خبر ۴۱۶۲۱۴۸، *خبرگزاری مهر*، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com>.
- نورایی، مهرداد (۱۳۹۳ ش)، «تحلیل بر تأثیرات متقابل هویت فرهنگی و تغییرات جامعه»، فصل‌نامه *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص ۱۱۳-۱۲۱.

- وارنر، رکس (۱۳۸۹ش)، *دانش نامه اساطیر جهان*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، نشر اسطوره.
- Smith, Anthony. D, (1991), *National Identity*, London: Penguin books.

